

راه کارهای مقابله با خشونت علیه زنان از دیدگاه اسلام

فاطمه گودرزی^۱ زینب سبزی علی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴ تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

چکیده

مقاله حاضر باهدف بررسی راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان از دیدگاه آیات و روایات قرآنی پرداخته است. مهم ترین شواهد قرآنی مخالفت با خشونت علیه زنان با تمرکز بر آیات معاشرت به معروف، نهی ضرار، عضل، قذف، ایلاء، اخراج من البيت، وأد و الرث النساء تحلیل شده اند. این مقاله در راستای چارچوب نظری اسنادی به بررسی دیدگاه قرآن نسبت به زن و قرینه های لفظی موجود در آیه و روایات تفسیری به تحلیل شرایط خشونت و نمادهای مخالفت قرآن با خشونت علیه زنان اقدام کرده است. نتایج نشان می دهد که قرآن کریم در هیچ موردی خشونت جنسی علیه زنان را تأکید نکرده، بلکه در موارد متعدد، با لحنی تند آن را سرزنش و محکوم نموده است. تنها موردی که در نگاه نخست ممکن است شاهی بر تأیید خشونت قلمداد گردد، آیه نشوز است. همچنین با تأمل در آیات و روایات درمی یابیم راهکارهایی برای کنترل خشونت در قرآن و روایات توصیه شده است. از آنجایی که پایه ادیان الهی، بر دفاع از مظلوم نهاده شده است، به صورت طبیعی زن در مکتب حیات بخش اسلام مورد حمایت ویژه قرار گرفته است و لذا اصل اولی رفتار با زنان، از منظر اسلام معاشرت به نیکویی و رفتار عرف پسند است. همچنین باید روشن ساخت که در مرحله نخست، عصبانیت موجب

۱. مقطع تحصیلی سطح ۲، نام مدرسه محدثه سلام الله علیها.

۲. فارغ التحصیل مقطع سطح ۳، تحصیلات تکمیلی غیر حضوری جامعه الزهراء ۱۳۵۶@z.sabzali.jmail.com.



آسیب رسیدن به خود فرد پرخاشگر می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «غضب دل مرد دانا را هلاک می‌کند». مقصود دل در اینجا، عقل انسان است و هنگامی که عقل انسان دچار هلاکت شود توانایی تشخیص کار خوب از بد را ندارد. **کلیدواژه‌ها:** خشونت، زنان، راهکارهای مقابله، تغییر وضعیت، معاشرت با زنان.

مقدمه

صاحب نظران بسیاری خشونت را به تعریف نهشته‌اند. برای نمونه گلز و استراوس در تعریف خشونت می‌گویند: «خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پوشیده اما قابل درک) جهت وارد کردن آسیب بدنی به فرد دیگر است. این تعریف که تنها خشونت بدنی را مدنظر قرار داده است از نگاه شماری از صاحب نظران جامع نیست و شایسته است تعریفی جامع برای خشونت آورده شد به این جهت مگاری از خشونت به عنوان شکل افراطی رفتار پرخاشگرانه نام می‌برد که احتمالاً باعث آسیب مشخص به فرد قربانی می‌شود.» در ماده اول قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره رفع خشونت علیه زنان می‌خوانیم: «اصطلاح خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت آمیزی می‌باشد که مبتنی بر اختلاف جنسیت بوده و منجر به صدمه یا رنج بدنی، جسمی، روحی برای زنان گردد و یا احتمال منجر شدن به این آسیب‌ها و رنج‌ها وجود داشته باشد. از جمله تهدید به این‌گونه اعمال، زورگویی، محروم‌سازی خودسرانه آزادی، خواه در محیط عمومی روی بدهد خواه در زندگی خصوصی.»

بنابراین از آنجا که خشونت نزد عقل یک امر ناپسند تلقی می‌شود، اسلام نیز آن را نمی‌پذیرد؛ چه نسبت به زن و چه نسبت به مرد بسیاری از اندیشمندان به سوی دیدگاه اسلام و قرآن نسبت به زن برانگیخته شده است، اما با نگاهی سطحی به منابع اصیل این دین مقدس، بسیاری از انتقادات متوجه پیکره دیدگاه اسلامی نسبت به زن می‌شود، زیرا آیات و روایاتی وجود دارد که به زعم برخی، رفتارهای نادرست اسلام با زن را نشان می‌دهد. در این میان یکی از مسائل مورد انتقاد هواداران حقوق و موقعیت اجتماعی زنان برخی از آیات قرآن کریم نظیر آیه‌ای از قرآن کریم که بدین شرح است:

«مردان، سرپرست و نگهبان زنان‌اند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند؛ و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند؛ و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آن‌ها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود)، آن‌ها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است (و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست)».^۱

این آیه مبارکه شبهات بسیاری را در زمینه تجویز خشونت مردان علیه زنان توسط قرآن برانگیخته است. در این آیه مبارکه کلمه «وَ اضْرِبُوهُنَّ» به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران حوزه مطالعات زنان مبین مجوز خشونت علیه زنان در دین اسلام در آیات قرآن کریم است. درحالی‌که چنین برداشتی از آیه با مبانی اسلامی نظیر تکریم انسان، احیای مقام زن با توجه به وضع قوانین مهریه و نفقه و... و مبارزه تاریخی اسلام با شکستن حرمت زنان و زنده‌به‌گور کردن دختران منافات دارد.^۲

مقالات بسیاری به‌طور اختصاصی درباره مسئله خشونت علیه زنان نوشته شده است که به‌اختصار ذکر می‌شود:

اسلام و مسئله ضرب زن عنوان مقاله‌ای است که علی‌گلایری (۱۳۸۲) آن را نگاشته و در آن به مسئله ضرب در اسلام به‌طور کلی توجه کرده و البته، به آیه ۳۴ نیز اشاره کرده است و در آخر ضرب در این آیه را تنبیهی برای زن خاطی در نظر گرفته است. اسلام و نفی خشونت در خانواده مقاله‌ای از عزت‌السادات میرخانی (۱۳۷۸) است که مخالفت دین اسلام را با خشونت خانگی بررسی کرده است.

۱. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا». (سوره نساء، آیه ۳۴).

۲. بتول سادات رئیس‌الساداتی، خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی، ص ۱۲۰-۱۲۱.

خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی نوشته ریحانه سادات رئیس الساداتی (۱۳۹۲) مقاله دیگری است که خشونت نسبت به زنان را از دیدگاه قرآن و آیات آن بررسی می‌کند. واژه خشونت به عنوان یک امر ارشادی، در پی تنظیم زندگی خانوادگی مخدوش شده بر اثر فقدان رعایت حدود خانواده است.

یکی از مسائل برانگیز در حوزه مطالعات حوزوی و اجتماعی، تبیین روابط خانوادگی، به خصوص جایگاه زنان در این نهاد اجتماعی است. دیدگاه‌های دینی و اسلامی و نظرات مختلفی از سوی دانشمندان در این زمینه برای ارتقای روابط مطرح شده است. بنا بر غلبه فرهنگ اسلامی در جامعه ما و اعتقاد راسخ مردم به فطری و انسانی بودن تعلیم اسلام، بررسی منابع اصیل اسلامی برای درک جایگاه زن در خانواده اهمیت بسیاری دارد، ولی وجود برخی سنت‌های رایج در گذشته و حال موجب شده تا برخی شبهات بر پیکره تعلیم اسلامی اضافه شود، به این دلیل ارائه شود.

با توجه به صحبت‌های بیان شده، هدف از انجام این پژوهش، شناسایی راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان از دیدگاه آیات و روایات قرآنی است. همچنین پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که چه راهکارهایی برای مقابله و نفی خشونت علیه زنان وجود دارد؟

برای جمع‌بندی باید توجه کرد که مقاله حاضر قصد دارد با ایجاد شبکه‌ای از آیات و روایات قرآنی در باب راهکارهای خشونت علیه زنان را بررسی کند و در ادامه با استناد به یافته‌ها، به مسئله اصلی این مقاله می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی خشونت

مفهوم خشونت در ترکیب‌های مختلفی مانند خشونت خانگی خشونت زناشویی، خشونت جنسی، خشونت علیه زنان و... به کار می‌رود که از نظر گستره مفهومی با یکدیگر تفاوت دارند. آنچه در این مقاله مورد نظر است، موضوع خشونت علیه زنان است که برای فهم دامنه آن باید تعریفی از خشونت را به طور کلی مفروض بگیریم. بر این اساس، بحث مفهوم‌شناسی را با اشاره‌ای به تعریف مفهوم کلی خشونت و بیان مصادیق مهم آن و نیز برخی واژه‌های قرآنی ناظر به مفهوم خشونت پی می‌گیریم. در فرهنگ‌های لغت فارسی و عربی، معانی متعددی برای مفهوم خشونت مطرح شده

است. گاه با متضاد دانستن واژه «خشن» با واژه «نرم» ادعا می‌شود که خشونت در اصل برای اشیاء به کار می‌رود، در فرهنگ دهخدا، «درشتی، زبری، ضد نرمی، سخت رویی، خشم و غضب و تندی» از معانی خشونت شمرده شده است.^۱ در فرهنگ مشیری نیز خشونت به معنای «عصبانیت و تندخویی» آمده است.^۲

به راین اساس، برخی نیز معتقدند: «هر جمله غیرقانونی به آزادی‌هایی که جامعه رسماً یا ضمناً برای افراد خود قائل گردیده است، خشونت محسوب می‌گردد».^۳ از نظر مصداقی، خشونت در شکل‌های مختلفی در خانواده و اجتماع بروز می‌نماید که در یک نگاه کلی، می‌توان آن‌ها را در سه بخش فیزیکی (ضرب، جرح، قتل، تجاوز جنسی و...)، زبانی (تهمت، تهدید، ناسزاگویی و...) و عاطفی (قهر کردن، بی‌اعتنایی، نگاه خشم‌آلود و...) دسته‌بندی نمود، همچنان که از حیث آثار و پیامدها می‌توان خشونت را به دو دسته بدنی و روانی تقسیم کرد و نیز به مفاهیم فراوانی مانند «غضب»، «سخط»، «فَطْ»، «شدّت»، «غلظت»، «قتل»، «عدوان»، «بهتان»، «أذى»، «قرح» و... برمی‌خوریم که کم‌وبیش با مفهوم خشونت ارتباط می‌یابند؛ اما پاره‌ای از این مفاهیم پیوند نزدیک‌تری با مسئله خشونت علیه زنان دارند، چون قرآن به‌طور خاص آن‌ها را در اشاره به مصداق عینی این مسئله به‌کاربرده است. از میان این مفاهیم، می‌توان به «منع کردن و در تنگنا قرار دادن»،^۴ «ضرر زدن»،^۵ «تعدی و تجاوز»،^۶ «کتک زدن»،^۷ «قهر کردن»،^۸ «در تنگنا گذاشتن»،^۹ «سوگند شوهر بر ترک آمیزش با همسر خود برای همیشه

۱. لغت‌نامه دهخدا، ج ۶، ذیل «خشونت».

۲. مهشید مشیری، فرهنگ فارسی، ج ۱، ذیل کلمه خشونت.

۳. غلام‌حسین الهام، «خشونت‌های قانون و نظام‌های سیاسی»، ص ۳۳.

۴. غُضَل. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۷۱؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان

فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۸۳. (سوره بقره: ۲۳۲؛ نساء، آیه ۱۹)

۵. ضَرار. (سوره بقره، آیه ۲۳۱ و ۲۳۳). (سوره طلاق: ۶)

۶. اعتداء. (سوره بقره، آیه ۲۳۱).

۷. ضرب. (سوره نساء، آیه ۳۴).

۸. هَجَر. (سوره نساء، آیه ۳۴).

۹. تضییق. (سوره طلاق، آیه ۶).



یا بیشتر از چهار ماه به قصد ضرر زدن به او»^۱، «حرام کردن زن بر خود با گفتن جمله عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي»^۲، «تهمت ناموسی به زن»^۳ و «زنده به گور کردن»^۴ اشاره کرد. انواع خشونت علیه زنان

خشونت جسمی

خشونت جسمانی علیه زنان به شیوه‌های گوناگون مثل کتک خوردن، شکنجه، قتل و ... انجام می‌شود. این نوع خشونت به هرگونه رفتار غیراخلاقی می‌گویند که از ضربه زدن به بدن زن شروع می‌شود و گاهی تا مرحله تجاوز جنسی جسم زن را آزار می‌دهد. بهای خشونت جسمی عبارت است از اعضای شکسته، پارگی‌ها، زخم‌ها، بریدگی‌ها، کبودی‌ها، جراحات داخلی، ضربه مغزی، آسیب، ناخواسته اعضای بدن، سقط جنین غیرقانونی و مرگ زن در اثر آسیب‌های جسمی^۵ با توجه به فرهنگ غنی اسلامی و اعتقادات دینی که بر جوامع اسلامی حکم فرماست پدیده زن‌آزاری به‌ویژه مواردی که باعث قتل توسط شوهر می‌شود در مقایسه با جوامع غربی و فرهنگ‌های غرب در جامعه اسلامی بسیار کمتر دیده می‌شود.

خشونت جنسی

رفتار خشن جنسی زمانی که با قصد تهدید و سوءاستفاده جنسی صورت می‌گیرد باعث خشونت جنسی می‌شود. تجارت جنسی، زنا با محارم، آزار و اذیت‌های جنسی، تجاوز به عنف و بدون رضایت، مزاحمت بدنی، قاچاق زنان و ... مصادیقی از خشونت جنسی هستند.

زن از منظر قرآن کریم

در آیات قرآن در موضوع زن با چند دسته از آیات مواجه می‌شویم:
(۱) آیاتی که در بیان فقدان تفاوت میان زن و مرد و برابر جلوه دادن آن‌هاست.

۱. ایلاء. (سوره بقره، آیه ۲۲۶ و ۲۲۷).

۲. ظهار. (سوره مجادله، آیه ۳-۲)

۳. رمی. (سوره طلاق، آیه ۱)

۴. واد. (سوره تکویر، آیه ۸)

۵. سیده فاطمه محبی، آسیب‌شناسی اجتماعی زنان (خشونت علیه زنان)، ص ۸.

۲) آیاتی که موضوع آن‌ها زنانی هستند که سرگذشت آن‌ها به عنوان الگو مطرح شده است.

۳) آیاتی که حدود شرعی مربوط به زنان را مشخص می‌کنند.

۴) آیاتی که روابط زناشویی و خانوادگی و مسائل حواشی آن را مطرح می‌کند.

آیات دسته اول مانند آیه ۳۵ سوره احزاب، تصویری مساوی میان زن و مرد را نشان می‌دهد و بر این تأکید دارد که میان زن و مرد در پیشگاه الهی تفاوتی وجود ندارد.

آیات دسته دوم مربوط به زنانی است که بایان خاص قرآن از سرگذشت آن‌ها، هم می‌توان در مسائل اجتماعی مربوط به زنان استفاده کرد، هم می‌توان عمل آن‌ها در پیشگاه الهی به عنوان یک انسان ارزیابی شود. ازجمله این زنان می‌توان از حضرت مریم، حضرت آسیه، زلیخا و... نام برد.

آیات دسته سوم حدود و احکام الهی مربوط به زنان مانند ارث، طلاق و... را بیان می‌کند. ازجمله می‌توان به آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نساء اشاره کرد.

در دسته چهارم با آیاتی مواجه می‌شویم که جایگاه زن در خانواده را مشخص کرده و تکالیف و حقوق او متذکر می‌شوند، اما در برخی از این آیات مشاهده می‌شود که به گونه‌ای متفاوت به موضوع زن نگریسته شده و در نگاهی سطحی نشان از فقدان کرامت زن در جامعه و خانواده از منظر قرآن دارد (مانند آیه ۳۴ سوره نساء).^۱

الف: نگاه قرآن نسبت به زنان با توجه به شأن انسانی

اگر از منظر انسانیت موضوع زنان در منابع اسلامی بررسی شود؛ هر آنچه مربوط به شئون انسانیت است درباره زن نیز تحقق می‌یابد و هیچ تفاوتی در این باب میان زن و مرد پذیرفتنی نیست؛ زیرا با کمی دقت در آیات می‌توان تأکید برابری در شئون انسانی از منظر اسلامی را دریافت. شواهد بسیاری در این زمینه وجود دارد؛ ازجمله می‌توان به آیه شریفه: «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راست‌گو و زنان راست‌گو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن و

۱. بتول سادات رئیس الساداتی، خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی، ص ۱۳۱-۱۳۰.

مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آن‌ها مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است»^۱.

ب: نگاه قرآن نسبت به زن با توجه به جنسیت

آنچه در قسمت قبل با شواهدی از آیات ثابت شد؛ فقدان تفاوت میان زن و مرد در شئون انسانی از منظر قرآن کریم بود؛ اما نگاه قرآن نسبت به زن با توجه به جنسیت او در آیاتی است که درباره احکام و حقوق او سخن می‌گوید و همچنین درباره زنانی است که از آن‌ها در قرآن یاد شده مانند حضرت مریم و...، یا در آیاتی که مسائل زناشویی و خانواده را در نظر دارد. در این آیات به وضوح میان زنان و مردان در قرآن تفاوت قائل شده است و حتی این تفاوت گاهی باعث می‌شود این تفکر در ذهن انسان جای بگیرد که مردان بر زنان در پیشگاه الهی برتری دارند، اما این برداشت به دلایلی که در قسمت پیش آمد اشتباه است.^۲

خشونت در قرآن

الف: حسادت

یکی از عوامل مهم خشونت، حسد است. برای نمونه در داستان آدم علیه السلام، حسد قایل عامل اصلی قتل هابیل بود. قایل از دو جهت بر هابیل حسادت می‌کرد. جهت اول زیبایی همسر هابیل بود و جهت دوم پذیرش قربانی هابیل. تفسیرگر برجسته اهل سنت در تفسیر آیه شریفه «و او خبر صحیح فرزندان آدم را هنگام ارائه نذری برای آن‌ها خواند و از طرف یکی از آن‌ها پذیرفته شد»^۳. دو نظریه برای خشونت قایل بر هابیل می‌آورد: «نظریه اول: هابیل که گله دار بود یک گوسفند چاق قربانی کرد و قایل که کشاورز بود یک دسته از محصولات نامرغوب خود را در راه خدا قربانی کرد. قربانی هابیل پذیرفته شد و قربانی قایل رد شد. در نتیجه قایل بر هابیل حسد کرد و نقشه

۷۸

۱. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». (سوره احزاب، آیه ۳۵).

۲. بتول سادات رئیس الساداتی، خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی، ص ۱۳۳.

۳. «وَأُتِلَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا». (سوره مائده، آیه ۲۷).



قتل او را کشید. نظریه دوم: حوا ع در هر زایمان یک پسر به دنیا می‌آورد و یک دختر. وقتی دختران و پسران به سن ازدواج می‌رسیدند، پسر یک زایمان با دختر زایمان دیگر ازدواج می‌کرد. بر اساس این سنت هابیل با همزاد قابیل و قابیل با همزاد هابیل ازدواج کرد. قابیل که ناگزیر از ازدواج با همزاد هابیل شده بود از آن جهت که همسر هابیل زیباتر بود بر هابیل حسد ورزید و پایان این حسد به قتل هابیل انجامید.^۱ در هر دو نظریه یادشده عامل خشونت بر هابیل حسد قابیل است. در قصه یوسف ع نیز آنچه برادران آن حضرت را به خشونت علیه برادر سوق داد، حسد برادران به موقعیت برتر یوسف ع و محبت بیشتر پدر بر آن حضرت بود: «هنگامی که گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر از ما محبوب‌ترند در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم! مسلماً پدر ما در گمراهی آشکاری است! یوسف را بکشید؛ یا او را به سرزمین دوردستی بیفکنید؛ تا توجه پدر، فقط به شما باشد.»^۲ برادران یوسف از آن جهت یعقوب ع را گمراه می‌خواندند که آن حضرت یوسف و بنیامین را که از همسر دیگر ایشان بود بسیار دوست می‌داشت و از عدل و مساوات بیرون رفته بود. آن حضرت یوسف و بنیامین را که ضعیف بودند و توان خدمت نداشتند بر برادران یوسف که قوی و پرتوان بود برتری می‌داد و محبت بسیار بر ایشان داشت.^۳

ب: باورهای ناروا

یکی دیگر از عوامل خشونت باورها و اعتقادات نادرست خشونت‌گرا است. برای نمونه خشونت عرب جاهلی علیه زنان، کشتن دختران، مبادله کردن دختران و زنان، ازدواج با مادرخوانده و دریافت مهریه دختر و به ارث بردن ایشان، از آن جهت بود که عرب جاهلی زن را فرومایه، پست و حقیر می‌شناخت.^۴ توان او را در تأمین مخارج خویش باور نداشت و او را سربار دیگر اعضای خانواده می‌دانست.^۵ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

۱. سکینه موسوی، بررسی عوامل مؤثر بر انحراف همسر کشی زنان، ص ۱۴.

۲. «إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ اقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَوْ اظْرَحُوهُ أَوْ رَايَا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ». (سوره یوسف، آیات ۹-۸).

۳. احمد مصطفی المراغی، تفسیر المراغی، ص ۲۱.

۴. محمد حسین طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۲، ص ۱۳.

۵. فخر رازی، الکبیر، ج ۳، ص ۲۰.

برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه ارث ببرید. آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آن‌ها داده‌اید، تملک کنید مگر این‌که آن‌ها عمل زشت آشکاری انجام دهند»^۱. واحدی در سبب نزول آیه شریفه می‌نویسد: «در عصر جاهلی و صدر اسلام رسم اهل مدینه این بود که پس از فوت سرپرست خانواده، فرزند او یا نزدیکان وی لباسی روی نامادری می‌انداخت و از اولویت نسبت به نامادری خویش برخوردار می‌شد و حق ازدواج از نامادری را می‌گرفت و چون این اولویت بدون تعیین مهریه صورت می‌گرفت و از آن‌سو به نامادری نفقه پرداخت نمی‌شد. نامادری ناگزیر از پرداخت فدیة از ماترک میت می‌شد و یا ناگزیر بود هم چنان در تملک باقی بماند تا از دنیا برود.» «برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است؛ و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند سهمی؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی»^۲. سبب نزول این آیه شریفه نشان از خشونت عرب جاهلی بر زنان دارد. در سبب نزول آیه می‌خوانیم: «در عصر جاهلی رسم چنان بود که ارث به زنان و کودکان صغیر تعلق نمی‌گرفت و تنها مردان کبیر از ارث برخوردار می‌شدند»^۳. در خانواده نوح و لوط علیهم‌السلام نیز وجود خشونت خانوادگی که در قرآن از آن به خیانت یاد شده است، بیشتر از آن جهت بود که همسر نوح و لوط علیهم‌السلام کافر بودند و دین نوح و لوط را بر نمی‌تافتند: «خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو پیامبر سودی به حالشان نداشت»^۴. چنان‌که در خانواده فرعون نیز خشونت فرعون بر آسیه از آن جهت بود که فرعون دین آسیه را بر نمی‌تابید و خویش را رو در روی او می‌دید و چون منافع و

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ». (سورة نساء، آیه ۱۹).

۲. «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا». (سورة نساء، آیه ۷).

۳. محمد بهرامی، «خشونت خانوادگی از منظر قرآن»، ص ۱۴.

۴. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ». (سورة تحریم، آیه ۱۰).

قدرت خویش را درخطر دید، به خشونت پناه برد و نهایت همسر خود را به شهادت رسانید. باورهای ناروا در میان خانواده‌های مسلمان نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی و کلیدی خشونت خانوادگی است. برای نمونه برداشت‌های غلط از قیمومیت مرد و جواز خشونت مرد بر زن و عدم قصاص پدر، از عوامل برخی خشونت‌های خانوادگی خوانده می‌شود و خشونت گران به دلایل زیر استناد می‌کنند: «مردان سرپرست و نگهبان زنان‌اند... آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید! و در بستر از آن‌ها دوری نمایید و آن‌ها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید».^۱

پ: بدگمانی

یکی دیگر از عوامل خشونت بدبینی افراد خانواده نسبت به یکدیگر است. بر این اساس بسیاری از خشونت‌های جسمی، روحی و روانی و قتل‌های ناموسی در شهرهای جنوبی کشور نتیجه بدگمانی پدر، برادر، شوهر و حتی خویشاوندان درجه دوم است.^۲ برخی ادعا دارند که پژوهش‌ها نشان از آن دارد که ۹۰٪ مردانی که همسران خویش را می‌کشند از روی بدگمانی اقدام به قتل می‌کنند.^۳ در آیات وحی نیز نشانه‌هایی از وجود بدگمانی در خشونت روحی و روانی وجود دارد. برای نمونه در داستان یوسف علیه السلام آنگاه که قذح از بار بنیامین بیرون کشیده شد، برادران در محضر یوسف علیه السلام از روی بدبینی بنیامین و یوسف را دزد خواندند و یوسف و بنیامین را آزار روحی و کلامی دادند: «برادران (گفتند: اگر او دزدی کند، (جای تعجب نیست) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد! یوسف (سخت ناراحت شد و) این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت و برای آن‌ها آشکار نکرد.»^۴ در قصه موسی علیه السلام نیز خشم موسی بر هارون از آن جهت بود که موسی علیه السلام تصور کرد که هارون در مسئولیت خود کوتاهی کرده است؛

چه اینکه وقتی موسی سر هارون را باخشم به سوی خویش کشید هارون در جواب

۱. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» (سوره نساء، آیه ۳۴).

۲. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۳۶۴.

۳. سکینه موسوی، بررسی عوامل مؤثر بر انحراف همسر کشی زنان، ص ۱۳.

۴. «قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ» (سوره یوسف، آیه ۷۷).

گفت: «او گفت: «فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشند؛ پس کاری نکن که دشمنان مرا شمات کنند! و مرا با گروه ستمکاران قرار مده!»^۱

این جواب نشان می‌دهد که دست‌کم هارون نگران برخورد سخت موسی علیه السلام بود به این جهت «ابن ام» گفت تا نسبت خود را یادآور شود و از خشم موسی بکاهد و «واستضعفونی و کادوا یقتلوننی» می‌گوید تا نشان دهد که تمام سعی و تلاش خود را برای جلوگیری از گوساله‌پرستی قوم انجام داده است و «فلا تَشمِتْ بِي الْأَعْدَاءُ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» می‌گوید از آن جهت که می‌ترسد موسی نتواند خشم خویش را کنترل کند. افزون بر این سخن موسی علیه السلام، «رَبِّ اغْفِرْ لِي» نیز نشان می‌دهد که آن حضرت از این‌که با تصور خاصی بر هارون خشم کرده است و او را مورد خشونت قرار داده پشیمان شده است و طلب آمرزش می‌کند نه از آن جهت که بر هارون خشم کرده است چه این‌که خشم امری طبیعی است چنان‌که طلب آمرزش برای هارون «ولاخی» نیز نشان می‌دهد که موسی علیه السلام عذر هارون را به صورت کامل نپذیرفته است و احتمال می‌دهد که او در انجام وظیفه خویش کوتاهی کرده است و تمام سعی خویش را برای جلوگیری از انحراف قوم به کار نگرفته است. در عصر نزول وحی نیز برخی از مردان از روی بدبینی همسر و دختر خویش را قربانی خشونت روحی و کلامی قرار می‌دادند و ایشان را هرزه می‌خواندند.

ت: کبر و خودبینی

کبر و خودبینی یکی دیگر از عوامل بروز خشونت است. انسان‌های متکبر بیش از دیگر افراد به خشونت می‌پردازند و بیشتر از دیگران به اذیت و آزار اعضای خانواده اقدام می‌کنند. روحیه این افراد به گونه‌ای است که مخالفت دیگران را برنمی‌تابند و به شدت مخالفان را سرکوب می‌کنند و بر ایشان خشونت می‌کنند. حضرت عیسی علیه السلام در این باره می‌گوید: کبر، خودکامگی، خوار شمردن دیگران خاستگاه غضب است. برای این عامل خشونت، می‌توان از داستان نوح علیه السلام بهره گرفت.

۱. «قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءُ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ». (سوره

اعراف، آیه ۱۵۰)

ث: حب دنیا

یکی دیگر از عوامل خشونت، دنیادوستی و دنیاپرستی خشونت‌گرا است. علاقه مفرط خشونت‌گرا به مادیات گاه او را از کمک به اعضای خانواده و تأمین مخارج و نیازمندی‌های ایشان باز می‌دارد. چه بسیارند پدرانی که با ثروت بسیار از کمک به فرزندان خودداری می‌کنند و حاضر نیستند نیازهای مادی ایشان را تأمین کنند و چه بسیارند زنانی که مطالبات بسیار دارند و شوهران خویش را با درخواست‌های بسیار خود شرم‌منده می‌کنند و خشونت کلامی بسیار بر ایشان دارند. این عامل خشونت نیز در برخی آیات قرآن آمده است. برای نمونه در خانواده پیامبر اسلام ﷺ همسران آن حضرت بی‌توجه به موقعیت آن حضرت مطالبات بسیار مادی داشتند و با این خواست‌های ناحق و ناشایست پیامبر ﷺ را آزرده می‌ساختند تا آنجا که در این باره آیه شریفه زیر فرود آمد: «ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیاید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها سازم!»^۱

ط: شهوت

تمایلات جنسی شدید یکی دیگر از عوامل خشونت است. بر اساس آمار بخشی از خشونت‌های خانوادگی از تمایلات جنسی خشونت‌گرا نشأت می‌گیرد. هرچند آمار خشونت‌های جنسی در خانواده ایرانی بسیار کم است اما این نوع خشونت میان پدر و دختر یا برادر و خواهر درخور توجه است؛ به گونه‌ای که معاون اول دادستان کل کشور از افزایش روابط نامشروع میان محارم خبر می‌دهد: «متأسفانه ما هم آماری داریم که از افزایش جرائم این‌چنینی و روابط نامشروع بین محارم خبر می‌دهد.»^۲ رئیس انجمن آسیب‌های رفتاری نیز می‌گوید: «هم‌اکنون چهار هزار پرونده در خصوص تجاوز برادر به خواهر و هزار و دویست پرونده در خصوص تجاوز پدر به دختر در دست بررسی دارم.»^۳ در آیات وحی نیز نمونه‌هایی از خشونت خانوادگی و از نوع جنسی آن که از

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُحِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ تَرِيتُنَّهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا». (سوره احزاب، آیه ۲۸).

۲. محمد بهرامی، «خشونت خانوادگی از منظر قرآن»، ص ۱۴.

۳. محمد بهرامی، «خشونت خانوادگی از منظر قرآن»، ص ۱۴.

شهوت خشونت گرامیه می‌گیرد، وجود دارد. برای نمونه در صدر اسلام برخی از مردان مسلمان با نامادری خویش ازدواج می‌کردند. برای نمونه حسن بن ابی قیس، اسود بن خلف و منصور بن ماذن با نامادری خود روابط نامشروع برقرار کردند و بر این اساس آیه شریفه زیر در تحریم این نوع روابط فرود آمد: «با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند هرگز ازدواج نکنید! مگر آنچه در گذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است؛ زیرا این کار، عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است»^۱.

راهکارهای مقابله با خشونت علیه زنان از دیدگاه قرآن

با تأمل در آیات و روایات درمی‌یابیم راهکارهایی برای کنترل خشونت در منابع اسلامی توصیه شده است؛ که عبارت‌اند از:

الف: منع خشونت علیه زنان در قرآن و کلام پیشوایان دینی اول، اینکه دین اسلام به منظور هدایت انسان، در شرایطی در سرزمین حجاز بر نبی گرامی اسلام ﷺ نازل شد که زنان به عنوان مظلوم‌ترین موجود زمینی، در چشم‌انداز انسان مرد آن زمان جلو می‌نمود. مردان، تحمل شنیدن تولد یک دختر را در خانواده‌اش نداشتند و آن را لکه ننگ و عار می‌دانستند و در بسا موارد بعد از تولد یک دختر در یک فامیل آن را زنده به‌گور می‌کردند تا لکه ننگ داشتن دختر را نداشته باشند. اگر به این واقعیت تاریخی باور داشته باشیم، دیدگاه واقعی اسلام را نسبت به زنان درست‌تر دریافت می‌نماییم، نه اینکه شرایط امروزی زنان را در نظر گرفته به داوری بنشینیم که نوع افراط و گونه‌ای دیگری استثمار زنان به حساب می‌آید.

دوم، اینکه متأسفانه اکثر دانشمندان، افکار عمومی حتی در میان مسلمانان وقتی دیدگاه اسلام را به داوری می‌گیرند بدون اینکه زحمت مطالعه دیدگاه اسلام در منابع و متون اولیه و اصیل اسلامی را بکشند، اعمال مسلمان را ملاک و معیار داوری خویش قرار داده و حکم می‌کنند که اسلام در این خصوص این دید را دارد. درحالی‌که با تأسف اعمال مسلمانان امروز در خیلی از مسائل از اسلام راستین بسیار فاصله گرفته است.

حال، در چنان شرایطی اجتماعی دین اسلام ظهور نمود و جایگاه زن را از

۱. «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا». (سوره نساء، آیه ۲۲).

حقیرترین موجود زمینی به عنوان انسان ارتقاء داده و آن را «کفو» و هم‌تراز مرد قرارداد. این هم‌ترازی بسیار زیبایی دارد، یعنی اینکه هر مردی الزاماً کفو و هم‌تراز هر زن به حساب نمی‌آید، بعضی مردان ممکن است کفو و شایستگی همسری با بعضی زنان را نداشته باشند و از اینجا می‌شود موقعیت زنان را در دیدگاه اسلام به خوبی فهمید.^۱

معاشرت با زنان از نظر قرآن

از آنجائی که پایهٔ ادیان الهی، بر دفاع از مظلوم نهاده شده است، به صورت طبیعی زن در مکتب حیات بخش اسلام مورد حمایت ویژه قرار گرفته است و لذا اصل اولی رفتار با زنان، از منظر اسلام معاشرت به نیکویی و رفتار عرف پسند است. این اصل (رفتار به نیکویی) به عنوان قاعده اولیه معاشرت با زنان، بنانهاده شده است. حداقل دوازده بار این قاعده کلی با الفاظ کوتاه و زیبا در قرآن بیان شده است که از جمله به آیات ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱- «با زنان به نیکویی رفتار نمایید».^۲

۲- «و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود نزدیک شدند، آنان را (با رجوع کردن) به طور شایسته و متعارف نگه دارید و یا (با ترک رجوع) به نیکی و خوشی از آن‌ها جدا شوید و آنان را برای آزار رساندن و زیان زدن نگه ندارید تا آنان را مورد تعدی و ستم قرار دهید و کسانی که چنین کند به خود ستم کرده است».^۳

۳- «یا زندگی به معروف و شایسته و یا جدایی به نیکویی».^۴

۴- «زندگی با شیوه شایسته و متعارف یا جدایی به شیوه متعارف و شایسته».^۵

۵- «و برای زنان، حقوق شایسته‌ای بر عهده مردان است، مانند حقوقی که برای

مردان بر عهده آنان است».^۶

۱. غلام حسین الهام، «خشونت‌های قانون و نظام‌های سیاسی»، ص ۱۴۴.

۲. ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾. (سوره نساء، آیه ۱۹).

۳. ﴿فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَازًا لِتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾. (سوره بقره، آیه ۲۳۱).

۴. ﴿فَأَمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ﴾. (سوره بقره، آیه ۲۲۹).

۵. ﴿فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾. (سوره طلاق، آیه ۲).

۶. ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾. (سوره بقره، آیه ۲۲۸).

این آیات عظیم الشان قرآنی، اشاره به اصل اولیه رفتار و معاشرت با زنان را بسیار زیبا و در جملات کوتاه بیان کرده است که با زنان به معروف و نکویی رفتار نمایید؛ و زیبایی آن در این است که این حسن رفتار را محدود نکرده است بلکه آن را به عرف و پسند جامعه حواله نموده است، زیرا شرایط زمانی و مکانی ممکن است در اجتماعات بشری متفاوت باشد، بنا در هر جامعه اگر یک اقدام مخالف عرف تلقی شود رفتار با زنان با آن شیوه درست نیست، لذا برای این قاعده مصداق مشخص معرفی نشده است.^۱

پس با توجه به این اصل اولیه، هیچگاه مردان حق خشونت علیه زنان را ندارند حتی اگر قصد طلاق و جدایی از زندگی مشترک را داشته باشند بازهم حق ندارند به آنان آزار و اذیت برسانند، بلکه یا باید مطابق عرف و شرع باهم زندگی نمایند و یا هم به گونه معروف و شایسته مطابق با شرع اسلام از هم دیگر جدا شوند و تمام حقوق واجبه آنان را نیز بپردازند.^۲

اما آنچه را مسلمانان امروز در بعضی از جوامع انسانی انجام می دهند، یقیناً مطابق به شریعت اسلام نیست؛ بنابراین، با توجه به این اصل اولیه خشونت علیه زنان در اسلام ممنوع است و موارد خاص اگر در قرآن وارد شده است، در زبان نبی گرامی اسلام، به خوبی تفسیر شده است که درواقع با آن تفسیر که از پیشوایان دین رسیده است آن اقدامات مصادیق خشونت نیست بلکه وسیله ای است برای تجدید محبت.^۳

با توجه به اصل اولیه، آیات و روایات زیادی از نبی گرامی اسلام ﷺ و پیشوایان مذهب شیعه در خصوص منع خشونت علیه زنان نیز نقل شده است که از باب نمونه به ذکر چند مورد بسنده می شود:

قرآن کریم

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را (با نسبت دادن) گناهی که نکرده اند آزار

۱. سکینه موسوی، بررسی عوامل مؤثر بر انحراف همسرکشی زنان، ص ۲۳۵.

۲. سکینه موسوی، بررسی عوامل مؤثر بر انحراف همسرکشی زنان ص ۲۴۴.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵۴۱.

می دهند، قطعاً تهمت و گناه آشکار را به گردن گرفته اند»^۱.

هرچند شأن نزول این آیه، در خصوص منع ایذای نبی گرامی اسلام وارد شده است، ولی لحن، تعلیل و تصریح آیه، به مؤمنین و مؤمنات به روشنی دلالت دارد به اینکه حداقل خشونت که همان وارد کردن اتهام و نسبت دادن عمل ناروای که شخص مرتکب آن نشده است، ممنوع است تا چه رسد به خشونت فیزیکی. این آیه کریمه، ضمن اینکه به منع خشونت علیه زنان تصریح دارد، یک قاعده کلی گفتاری معاشرت را نیز تبیین می کند و آن این که انسان ها همواره در گفتارهای خویش لحن دلپذیر داشته باشند و مبادا سخنان آنان موجب آزار و اذیت مرد و زن مؤمن گردد و در غیر آن گناه آشکاری را به گردن گرفته اند. وقتی سخنی که موجب رنجش روحی زن مؤمنه شود حرام و گناه باشد، به طریق اولی خشونت فیزیکی حرام مسلم است.

سنت

در فرمایشات پیامبر ﷺ نیز در مذمت و نکوهش خشونت علیه زنان جملات زیبای وجود دارد حضرت فرمود: «آیا زن را کتک می زنید، سپس می خواهید با او هم آغوش باشید؟!»^۲.

در ادبیات عرب، این جمله به استفهام توبیخی شهرت دارد؛ یعنی حضرت ﷺ بایان این جمله، مردانی را که سبب خشونت علیه زنان می گردند، توبیخ و نکوهش می فرماید، به اینکه مگر شرم نمی شوید زنانی را که کتک می زنید بعد با آن ها هم آغوش می گردید؟!

در صحیح بخاری نیز از نبی نقل شده است که فرمود: «فاستوصوا بالنساء خیراً؛ با زنان با مهربانی رفتار نمایید»^۳. روشن است که رفتار توأم با مهربانی، اصولاً با خشونت سازگاری ندارد. وقتی مردان از طرف پیامبر اسلام ﷺ مأمور شده اند که با زن های خود با شیوه مهربانی رفتار نمایند دیگر حق خشونت را ندارند.

۱. «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا». (سوره احزاب، آیه ۵۸).
 ۲. ایضاً حدیثی از ابن عمر (رضی الله عنهما) که می گویند: «ما رأینا رجلاً یضرب امرأته ثم یظل معانقها» (محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۴۵).

۳. محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، ۵۱۸۶.

در جمله دیگر از نبی گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که حضرت فرمود: «در رفتار خود با زنان ترس خدا را داشته باشید، زیرا شما آن‌ها را به عنوان امانت خداوند نگه داشته‌اید و با کلمات خداوند جسم آن‌ها را برای خود حلال نموده‌اید»^۱.

در کلام دیگر از پیامبر اسلام چنین آمده است که: «أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً وخيارهم خيارهم لنسائهم؛ کامل‌ترین مؤمنین از نظر ایمان، کسانی‌اند که از نظر اخلاق نیکو باشند و برگزیده‌ترین‌تان کسانی‌اند که به زنان خود برگزیده باشند (موردپسند زنان خود باشند)»^۲.

در فرمایش دیگر از نبی گرامی اسلام رسیده است: «أوصانی جبرئیل بالمرأة حتی ظننت أنه لا ينبغی طلاقها إلا من فاحشة مبینة». حضرت می‌فرماید: جبرئیل در ارتباط با زنان چنان سفارشی به من داشت که گمان کردم طلاق زنان روا نباشد مگر اینکه مرتکب فاحشه آشکار گشته باشد.^۳

در جمله دیگر از پیامبر ﷺ آمده است که: «آنکه به مؤمنی آزار رساند، مرا آزار کرده است و آنکه مرا آزار دهد، خدای مرا آزار داده است و آنکه خدای را آزار داده در تورات و انجیل و زبور و قرآن، نفرین شده است»^۴.

همه می‌دانیم که کلمه «مؤمناً» در فرمایش نبی گرامی اسلام، اسم جنس است شامل زن و مرد می‌شود اختصاص به مردان ندارد.

پیامبر ﷺ فرمود: «اگر مردی همسری داشته باشد که موجب آزار او گردد خداوند نماز و حسنه آن زن را مورد قبول خود قرار نمی‌دهد تا اینکه رضایت شوهر را به دست آورد، اگرچه تمام عمر خود را به روزه‌داری سپری و شب‌ها را به زنده نگه داشتن سپری کرده باشد و موجب آزادی بندگان شده باشد و دارایی و اموال خود را در راه خدا انفاق کرده باشد و چنین زنی اولین کسی است که داخل جهنم می‌شود. بر مردی که موجب آزار همسرش گردد نیز مانند همین گناه و بال است»^۵.

۱. فاتقوا الله في النساء فإنكم أخذتموهن بأمانة الله واستحللتم فروجهن بكلمة الله. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۱۲۳).

۲. أحمد عبد الرحمن، الفتح الرباني لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

۳. أحمد عبد الرحمن، الفتح الرباني لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۳، ص ۲۳۶.

۴. من اذى مؤمناً فقد اذانى ومن اذانى فقد اذى الله، ومن اذى الله فهو ملعون في التوراة والانجيل، والزبور والفرقان.

۵. من كان له امرأة تؤذيه لم يقبل الله صلاتها ولا حسنة من عملها حتى تعينه وترضيه، وإن صامت الدهر، وقامت وأعتقت

در این حدیث شریف اول زنی که موجب آزار شوهرش شده است نکوهش شده است و در ذیل حدیث آمده است که اگر مردی موجب آزار خانمش گردد عین عقوبت را دارد. اصل اولیه به صورت کلی در رفتار مردان با زنان در دین مبین اسلام، محبت، معاشرت به نیکویی، مدارا و احسان است و خشونت علیه زنان در اسلام جواز ندارد. مسلمانانی که اقدام به خشونت علیه زنان می نمایند، مجوز شرعی نداشته بلکه یک اقدام خودسرانه و ستم گرایانه است که مورد نکوهش اسلام قرار دارد. این افراد بی توجه به مبانی دینی ضمن اینکه خود مستحق گناه و عقوبت می باشند سبب شده اند که موجبات سوء ظن به مکتب حیات بخش اسلام را نیز برای کسانی که مطالعات ژرف و عمیق از اسلام ندارند فراهم سازند.^۱

راهکارهای رفتاری

برخی از راهکارهای روایی، رفتاری است که باید با عمل همراه باشد. این راهکار به درمان پرخاشگری کمک بسزایی می کند.

تغییر وضعیت به هنگام خشم

در روایات دل نشین معصومان تغییر حالت شخص در هنگام خشم و عصبانیت راهکاری رفتاری برای فروکش کردن خشم معرفی شده است:

وقتی در حضور امام باقر علیه السلام سخن از غضب به میان آمد، حضرت فرمود: هرگاه شخصی خشمگین شد، اگر ایستاده است فوراً بنشیند تا پلیدی و وسوسه شیطان از او دور شود و هرگاه به خویشتاوندش غضب کند، به نزد او برود و بدنش را لمس کند، چراکه خویشتاوند اگر لمس شود، آرامش یابد.^۲

همچنین رسول خدا به امام علی علیه السلام فرمود: یا علی خشمگین مشو، پس هرگاه خشمگین شدی، بنشین.^۳ این مسئله را این گونه می توان تشریح کرد که انسان چون خشمگین می شود تمام حواس بدنش به چیزی متمرکز می شود که او را خشمگین

الرقاب، وأنفقت الأموال في سبيل الله، وكانت أول من ترد النار، ثم قال وعلى الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذياً ظالماً. (محمد باقر مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۱۲۳۵).

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۶۵.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۳۴.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۶۰.

ساخته است، پس اگر کاری انجام دهد که تمرکزش را در مورد خشم به هم بزند، چون حواسش به چیز دیگری متوجه شده، خشمش فرومی‌نشیند.^۱ در حدیثی دیگر، از امام باقر (ع) است که فرمود: هنگامی که آثار غضب در شما پدیدار شد بر روی زمین بنشینید.^۲

راهکارهای شناختی

برای درمان هر بیماری و یا حل هر مشکلی ابتدا باید شناختی دقیق از آن پیدا کرد تا بتوان آن را درمان کرد؛ در این مورد نیز شخص باید شناختی کامل از پرخاشگری پیدا کند و در مراحل بعد به درمان آن بپردازد. همان‌گونه که امام علی (ع) می‌فرماید: «کنار زدن غضب به واسطهٔ بردباری، نتیجهٔ شناخت است».^۳ در منابع اسلامی، تلاش شده که نگرشی صحیح دربارهٔ خشم داشته باشیم؛ ازجمله در روایتی آمده است: خشم و غضب، امری شیطانی است و شیطان با ابزار قرار دادن آن انسان‌ها را صید می‌کند و از طریق سعادت منحرف و به راه شقاوت می‌کشانند.^۴ اسلام دو نوع شناخت را لازم می‌داند: ابتدا شناخت فواید و آثار کنترل خشم و پرخاشگری؛ و دوم، درک آثار و عواقب پرخاشگری برای اجتناب از آن‌ها است. ازاین‌رو، این دو شناخت باید همراه باهم صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم در موارد متعدد با استفاده از مفاهیم گوناگونی مانند عَصْل، ضِرار، اعتداء، ضرب، هَجْر، تضییق، ایلاء، ظَهْر، رمی، اخراج مِنْ الْبَيْتِ و «وَاد» به مسئله خشونت علیه زنان توجه کرده است، ولی نه تنها در هیچ موردی خشونت علیه زنان را تأیید نکرده، بلکه افزون بر تحریم و سرزنش شدید آن، رویکردی تربیتی، اصلاحی و در مواردی، حقوقی را برای جلوگیری از این پدیده در پیش گرفته است. بی‌شک بسیاری از خشونت‌هایی که امروزه علیه زنان صورت

۱. محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۸۴.

۲. محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۱۴۴.

۳. فخر رازی، الکبیر، ج ۳، ص ۳۳۳.

۴. فخر رازی، الکبیر، ج ۳، ص ۳۳۳.

می‌گیرد، از نظر محتوایی با خشونت‌هایی که قرآن کریم با آن‌ها مبارزه کرده است، یکسان‌اند و اگر تفاوتی مشاهده می‌شود، صرفاً در ناحیه شکل و صورت ظاهری آن‌هاست.

تنها موردی که ممکن است شاهی بر نقض ادعای این مقاله مبنی بر مخالفت قرآن با همه انواع خشونت علیه زنان تلقی شود، اعطای حق زدن زن ناشزه به شوهر است که با تأمل دقیق‌تر در شرایط و جوانب آن مشخص می‌گردد که از باب خشونت جنسی به معنای دقیق کلمه نیست، بلکه از باب مجازات قانونی است که شوهر نه به عنوان شوهر، بلکه به عنوان مجری قانون آن را اعمال می‌کند. آری، بر اساس برخی تعریف‌ها با تفسیرهای ایدئولوژیک که گاه از مفهوم خشونت ارائه می‌گردد، به مجموعه‌ای از احکام جنسیتی قرآن از جمله تفاوت زن و مرد در ارث، شهادت، قصاص و جهاد، برچسب خشونت جنسی زده می‌شود، ولی از آنجاکه چنین تعریف‌هایی فاقد پشتوانه استدلالی محکمی هستند، دلیلی بر پذیرش آن‌ها نداریم، بلکه می‌توان به نادرستی آن‌ها استدلال کرد.

با تأمل در آیات و روایات درمی‌یابیم راهکارهایی برای کنترل خشونت در قرآن و روایات توصیه شده است. از آنجائی که پایه ادیان الهی، بر دفاع از مظلوم نهاده شده است، به صورت طبیعی زن در مکتب حیات بخش اسلام مورد حمایت ویژه قرار گرفته است و لذا اصل اولی رفتار با زنان، از منظر اسلام معاشرت به نیکویی و رفتار عرف پسند است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. الهام، غلام حسین، «خشونت های قانون و نظام های سیاسی»، کتاب نقد، شماره ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۹ ش.
۲. انصاری، محمدباقر، تحقیقی درباره معنای «ضرب» در آیه نشوز، ترجمان وحی، سال سیزدهم، شماره ۲، ۱۳۸۸ ش.
۳. بهرامی، محمد، «خشونت خانوادگی از منظر قرآن»، پژوهش های قرآنی - ویژه نامه قرآن و خانواده، شماره ۵۰-۴۹، ۱۳۸۶ ش.
۴. حکیم باشی، حسن، آیه نشوز و ضرب زن از نگاهی دیگر، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش های قرآنی، دوره ۷، شماره ۲۸، ۱۳۸۰ ش.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۶. سادات رئیس الساداتی، ریحانه، خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی، مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء ع.ا.ع.، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.
۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۴ ش.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. گلایری، علی، اسلام و مسئله ضرب زن، رواق اندیشه، دوره ۲، شماره ۲۷، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. محبی، سیده فاطمه، آسیب شناسی اجتماعی زنان (خشونت علیه زنان)، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۳، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. مشیری، مهشید، فرهنگ فارسی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. معموری، علی؛ خوش سخن مظفر، زهرا، بررسی تاریخی جایگاه زن در جاهلیت و قرآن با توجه

- به آیه ضرب، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۶، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. موسوی، سکینه، بررسی عوامل مؤثر بر انحراف همسرکشی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (ع)، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. میرخانی، عزت‌السادات، اسلام و نفی خشونت در خانواده، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۶، ۱۳۷۸ ش.
۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: انتشارات دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. القشیری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، دارالطباعة العامره، ۱۳۲۹ ق.
۱۸. المراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران: جهان چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت: دار، ۱۴۰۲ ق.
۲۱. بستانی، فؤاد أفرام، فرهنگ ابجدی (عربی - فارسی)، ترجمه رضا مهیار، بی‌جا، بی‌تا.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. عبدالرحمن، أحمد، الفتح الربانی لترتیب مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: دارالتراث، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. فخر رازی، الکبیر، سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ق.